



بالاترین درجه و فوز عظیم رستگاری، رضایت خداوند است/ بزرگترین دشمن انسان کیست

خدایا مرا در این روز از دوستان دوستان و دشمن دشمنانت قرار ده و در راه و روش به طریقه و سنت خاتم پیغمبرانت بدار ای عصمت بخش دلهای پیغمبران.

در دعای روز بیست و پنجم ماه مبارک رمضان می خوانیم: "اللهم اجعلنی فیہ محباً لأولیائک ومُعادياً لأعدائک مُسْتَنّاً بِسُنَّةِ خاتم انبیائک یا عاصِمَ قلوبِ التَّبیّین".

خدایا مرا در این روز از دوستان دوستان و دشمن دشمنانت قرار ده و در راه و روش به طریقه و سنت خاتم پیغمبرانت بدار ای عصمت بخش دلهای پیغمبران.

همانطور که در آیات و روایات موجود می باشد اولیاء خداوند همان یاران و بندگان مخلص خداوند هستند که هیچ گاه از فرمان خداوند و رسولش سرپیچی ننمودند، شاید سؤال شود اولیاء شامل چه کسانی می شود؟ که در جواب باید گفته شود که انبیاء، ائمه معصومین(ع) و شهدای در راه خدا و تمام عبادالله المخلصین جزو اولیای خداوند می باشند اما از نظر رتبه و مقام با هم متفاوتند. به طور مثال پیامبر اکرم(ص) یکی از اولیای خداوند می باشد اما رتبه و مقام ایشان در پیشگاه ذات اقدس احدیت مقام نبوت و رساندن رسالت است.

به طوری که خداوند در قرآن خطاب به رسول مکرم اسلام(ص) می فرماید: "قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله و یغفرلکم ذنوبکم والله غفور رحیم" یعنی "بگو (ای پیغمبر) اگر خدا را دوست می دارید، مرا پیروی کنید که خدا شما را دوست می دارد و گناه شما را می بخشد که خداوند آمرزنده و مهربان است چرا که "لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه..." یعنی قطعاً برای شما در (اقتدا) به رسول خدا سرمشقی نیکوست و این را هم می دانیم که تمام انبیای الهی از اولیاءالله می باشند اما از نظر رتبه خداوند در قرآن می فرماید: تلک الرسل فضلنا بعضهم علی بعض منهم من کلام الله و رفع بعضهم درجات یعنی "این پیغمبران را برخی بر بعضی برتری و فضیلت دادیم، برخی با خدا سخن گفته و بعضی مقام رفیع یافته.

حال ما در این روز از خداوند درخواست نموده ایم که ما را از دوستان و دوستداران اولیائش قرار دهد که با توجه به توضیحات بالا در می یابیم که منظور از این دعا این است که خداوند ما را از یاران و پیروان واقعی دین حقیقی اش یعنی اسلام قرار داده تا به درجه و فوز عظیم رستگاری که بالاترین آن رضایت خداوند می باشد دست یابیم.

برای آنکه بدانیم اعداءالله چه کسانی هستند باید اشاره کنیم به شیطان رانده شده از درگاه حق که از زمان خلقت حضرت آدم ابوالبشر(ع) شیطان تنها کسی بود که به نافرمانی از ذات اقدس الهی اراده نموده و با تکبر و غرور خود به سرمنشا دشمنی با خداوند معروف گردید، اما این نکته لازم است که در اینجا بیان گردد و آن این است که ذات اقدس ربوبیت دارای مقامی است که هیچ موجودی نمی تواند در برابر او به دشمنی برخیزد بلکه خداوند برای امتحان و رتبه بندی مخلوقاتش آن هم برای آنکه خود مخلوقات درک کنند که ظرفیت آنان در چه حد است و درجه رتبه و مقامی باید قرار بگیرند امتحان را قرار داد و کسانی که از این امتحانات که به دستورات و قضا و قدر الهی می باشد با موفقیت بگذرند آن هنگام است که نزد خداوند اجر و قربی دارند ولی اگر خلاف آن صورت پذیرد آنگاه است که نزد خداوند جایگاهی نخواهند داشت و یکی از کسانی که در امتحان همه چیز خود را از دست داد ابلیس یا همان شیطان معروف است که همه جا سرک می کشد و در قرآن از او به دشمن بزرگ انسان تعبیر گردیده است انه لکم عدو مبین یعنی همانا شیطان برای شما دشمنی آشکار است که خداوند امر فرموده است که از او یعنی شیطان تبعیت نکنید.

"ولا تتبعوا خطوات الشیطان" و از وسوسه های شیطان پیروی نکنید چرا که او یخرجونهم من النور الی الظلمات یعنی خارج می کند ایشان را از نور به سوی تاریکی و چون وسوسه های شیطانی برخلاف سعادت و رستگاری انسانهاست و خداوند می خواهد تمام انسانها مسیر سعادت و رستگاری را بیمایند، پس در اینجااست که شیطان به دشمن خداوند معروف است و همانطور که می دانیم شیطان هم برای خود یاران و پیروانی دارد که به وسیله آنها وسوسه ها و خطوات خود را به نسل آدم ابوالبشر و جنیان تلقین می کند . چنانچه خداوند در قرآن می فرماید: "وان الشیاطین لیوحون الی اولیاءهم" یعنی به درستی که شیاطین (جن و انس) سخت به دوستان و پیروان خود وسوسه کنند تا با شما به جدال و منازعه برخیزند" که ما در این روز در این دعا از خداوند خواستاریم که ما را دشمن دشمنانت قرار دهد، که با توجه به توضیحات بالا در می یابیم منظور از این دعا این است که خداوند ما را از کسانی قرار دهد که از شیطان و وسوسه های او دوری گزیده اند نه از کسانی که از او پیروی نموده و راه ضلالت و گمراهی را پیشه کرده اند.

در این قسمت از این دعا از خداوند خواستاریم که ما را توفیق دهد تا از راه و روش پیامبر اعظم(ص) که به سنت تعبیر گردیده است پیروی کنیم چرا که امروزه مشاهده می شود چقدر سننهای پیامبر گرامی اسلام(ص) مظلوم واقع شده است و کسی اهمیت زیادی بر این سننهای قائل نیست، شاید گفته شود که مثالی بیاورد تا روشن گردد، ما هم می گوئیم مثال بارز آن ازدواج است که صراحتاً پیامبر اکرم(ص) فرمودند: النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی یعنی ازدواج سنت من است پس هر کس از آن دوری گزیند و روی گردان شود، از من نیست اما امروزه می بینیم که با غلوهایی زبانی و بادهای اندرونی بعضیها خود

را مدرنیته نشان داده و سنتی را که پیامبر اسلام(ص) بر اساس خواست خداوند پایه گذارده اند با وسوسه های شیطانی زیرپا گذاشته و با سخت گیریهای بیجا و غیرعقلانی آن سنت نیکو را مانند یک هیولای وحشتناک جلوه گر نموده اند.

آن هم سنتی را که امام زین العابدین(ع) هنگامی که بر سفره طعام بودند استخوانی را که اندکی گوشت داشت برداشتند و فرمودند: پس از توافق دختر و پسر برای ازدواج، این امر به اندازه پاک کردن باقیمانده گوشت از این استخوان است یعنی به قدری ازدواج باید آسان صورت پذیرد که هیچ دختر و پسری بدون همسر نباشند. اما متأسفانه با این سنت شکنی ها، بلاهای خانمان سوزی که بر سر جوانان می آید مشاهده می گردد که ما در این روز از خداوند خواستاریم که ما را پیرو واقعی سنتهای رسول اکرم اسلام قرار دهد.